پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۳ تابستان ۱۴۰۰

No.43 Summer 2021

۲۳-۳۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

نقش استحکامات دفاعی شهرهای ماوراءالنهر و خراسان در تقابل با مغولان

✓ **ابراهیم خسروی برده:** دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

چکیده

شهرهای خراسان و ماوراءالنهر در آستانه یورش مغولان (٦١٦ق) به رهبری چنگیزخان دارای استحکامات دفاعی چون بارو، دیوار، ارگ و خندق بود که کارکرد اصلی آن امنیتی و محافظت از شهر در برابر تهدیدات خارجی بود. وجود این سازه‌ها، سلطان خوارزمشاهی را مجاب کرد تا در تصمیم اولیه استراتژی نبرد را بر دفاع در شهرها و قلاع قرار دهد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی این مسئله را موردتوجه قرار می‌دهد که در آستانه یورش مغولان، این سازه‌ها چه وضعیتی داشتند و چه تأثیری بر شیوه نبردهای خوارزم شاهیان و مغولان گذاشتند؟ بر طبق یافته‌ها، در آستانه هجوم مغولان، استحکامات دفاعی در اکثر شهرهای مورد هجوم فرسوده و در حال تعمیر بودند و همچنین نیروی کافی و لازم برای نگهداری و استفاده از آن‌ها اختصاص نیافته بود. بازدارندگی و مقاومتِ استحکامات دفاعی در تقابل با هجوم مغولان ناچیز بود و مقاومت‌های صورت گرفته در اترار، گرگانج، طالقان و هرات نتوانست از پیشروی مغولان جلوگیری نماید. مهارت مغولان در محاصره و تسخیر استحکامات، فرسوده و در حال تعمیر بودن استحکامات در برخی شهرها و نبود نیروی آزموده و کافی جهت نگهداری از سازه‌های امنیتی، مهم‌ترین علل سقوط استحکامات دفاعی در تقابل با روش‌های جنگی مغولان است. مغولان پس از تسخیر شهرها در راستای از بین بردن فرصت مقاومت و شورش، استحکامات دفاعی خراسان و ماوراءالنهر را تخریب کردند. سازه‌های دفاعی این مناطق به سبب امنیتی، دوری خراسان از مرکز حکومت و نزاع بین اولوس جغتایی و ایلخانان تا اواخر دوره ایلخانی بازسازی نشدند.

واژگان کلیدی: استحکامات دفاعی، تهاجم مغولان، چنگیزخان، خراسان، ماوراءالنهر

Abstract

The cities of Khorasan and Transoxiana on the time of the Mongol invasion (616 AH) under the leadership of Ghingiz Khan benefited from a series of defensive fortifications such as fortifications, Walls, Forts and Trench (Khandagh), whose main function was security and protection of the city against foreign threats. The existence of these structures confident Sultan Khwarezmshahs to base his battle strategy on defense in cities and castles in the initial decision. The present article, with a descriptive-analytical approach, considers the situation of these structures on the eve of the Mongol invasion and what effect they had on the method of battles between the Khwarezmshahs and the Mongols. According to the findings, on the time of the Mongol invasion, the defensive fortifications in most of the attacked cities were worn out and under repair. The deterrence and resistance of the defensive fortifications against the Mongol invasion is considered insignificant and the resistance in Otrar, Gurgandj (Urgench) Taleghan and Herat could not prevent the Mongol advance. The Mongols 'skill in besieging and capturing fortifications, the worn-out and under-repairing fortifications in some cities, and the lack of experienced and sufficient forces to maintain security structures are the most important causes of the fall of defensive fortifications against the Mongols' methods of warfare. After capturing the cities, the Mongols destroyed the defensive fortifications of Khorasan and Transoxiana in order to seize the opportunity to resist and revolt. Due to security concerns, Khorasan's defensive structures were not rebuilt from the center of the government and the conflict between Chagtai Khanate and the Ilkhans lasted until the end of the Ilkhanid period.

Keywords: Defensive Fortifications, Mongols invasion, Ghingiz Khan, Khorasan, Transoxiana

*نویسنده مسئول مکاتبات: (۰۹۲۳۸۸۴۵۲۵۰) (ekhosravi83@yahoo.com)

مقدمه

ساخت و احداث دیوارها و دژهای دفاعی همواره به‌عنوان یک اقدام دفاعی مؤثر در جهت مقابله با هجوم‌ها موردتوجه قرار داشته است. به‌تدریج با ایجاد شهرها و وسعت مکان‌های تجمع انسانی، مسئله تأمین امنیت شهر نیز اهمیت بیشتری یافت، زیرا شهرها در موقعیت‌های جغرافیایی دشت و جلگه ساخته می‌شدند و یا مناطقی که از موانع طبیعی دفاعی دور بودند. بنابراین ساخت سازه‌های امنیتی باهدف ایجاد مانع در مسیر تهاجم دشمن موردتوجه اهالی شهرها و دولت‌ها قرار گرفت. منطقه ماوراءالنهر و خراسان به سبب همسایگی با اقوام مهاجم و نقش مرز از پیش از اسلام و در دوره اسلامی تا سده هفتم هجری قمری دارای سازه‌های امنیتی مهمی بود که طبیعتاً در مقابله با مهاجمین مورد استفاده قرار می‌گرفتند. سازه های امنیتی یا مجموعه بناهای دفاعی، بخش مهم ساختار کالبدی شهرها بوده و نقش به سزایی در تعیین شکل ظاهری شهرها داشتند.

پیشینه پژوهش

بیشتر آثار نگارش یافته در تاریخ مغولان و ایلخانان به فتوحات مغولان اشاره می‌کنند. در آثار پژوهشگرانی همچون علیرضا خزائلی در *بررسی واکنش شهرهای ماوراءالنهر و خوارزم در برابر اولین تهاجم مغولان* و محمدعلی جودکی و امین جیران در *مقاومت شهرهای ماوراءالنهر و خراسان در برابر ایلغار مغول* به دفاع عوامل انسانی در برابر هجوم مغولان اشاره شده است. در این آثار تمرکزی بر نقش استحکامات دفاعی در هجوم مغولان و سرانجام این بخش از ساختار شهری نیست. در آثار گروهی دیگر از پژوهشگران همچون ابوالفضل رضوی در *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان*، بایمت اف در *فاجعه نیشابور*، ارشاد اسلام در *هجوم مغولان به آسیای مرکزی*[1] و مجتبی تبریزنیا در *ویرانگری تاریخی مانع توسعه، نمونه: هجوم اردوی مغول به ایران* در مجله مزدک نامه به‌صورت کوتاه به نقش استحکامات دفاعی و برخورد مغولان با سازه‌های امنیتی اشاره شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی نقش بازدارندگی سازه‌های امنیتی شهرهای منطقه ماوراءالنهر و خراسان را در تقابل با یورش مغولان به رهبری چنگیزخان موردبررسی قرار داده و در پی بررسی میزان کارآمدی و یا علل عدم تأثیر این سازه‌ها در برابر هجوم مغولان است. منظور از استحکامات دفاعی شهری در پژوهش حاضر سازه‌های دفاعی چون دیوار، حصار، برج و بارو، دروازه، قلعه و خندق است که پیرامون شهرهای ایران در آستانه هجوم مغولان وجود داشتند. هدف، انجام پژوهشی در مورد تقابل استحکامات دفاعی شهرهای خراسان و ماوراءالنهر با هجوم مغولان و واکنش مغولان به بازدارندگی سازه‌های دفاعی در این نواحی است.

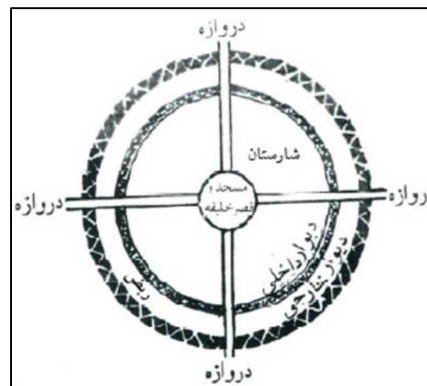
جایگاه و کارکرد استحکامات دفاعی در ساختار شهرهای ماوراءالنهر و خراسان

شهرهای ایران بر اساس سنت شهرسازی در دوره ایران باستان در قرون اولیه اسلامی از سه بخش: ارگ (کهندژ یا قهندژ)، شارستان و ربض تشکیل می‌شدند. گرچه بعداً از دوره سامانیان تغییراتی در حالت کالبدی ساختار شهرها ایجاد می‌شود اما تا دوره میانه همچنان شهرها بر مدار معماری سابق قرار دارند. ارگ (محل سکونت حاکم شهر) غالباً در دل شارستان و گاهی در کنار دیوار شارستان قرار داشت. ارگ معمولاً در قسمتی مرتفع‌تر از سایر مناطق شهر ساخته می‌شد (ناشناس، ۱۳۶۲: ۱۰۷-۱۰۶، ۹۱؛ حموی، ۱۳۸۳: ۱۵۵؛ کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۸۰؛ لسترنج، ۱۳۷۷: ۴۰۹؛ اشرف، ۱۳۵۳: ۲۳-۲۲). شارستان (شهرستان) نیز بین ارگ و ربض قرار داشت. بخش بیرونی (ربض) نسبت به دو قسمت پیشین از امنیت کمتری برخوردار بود (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۱-۴۰؛ حبیبی، ۱۳۹۰: ۵۷-۵۶). قسمت‌های ربض، شارستان و ارگ از طریق دیوارها، باروها و دروازه‌های داخلی از یکدیگر جدا می‌شدند. همچنین شارستان و ربض دارای محله‌های مختلفی بودند که هر محله از طریق دیوار از محله دیگری تفکیک می‌شد (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۳۶۱؛ اشرف، ۱۳۵۳: ۴۰-۳۹؛ یوسفی فر، ۱۳۸۵: ۳۳۰-۳۲۵). این‌گونه دسته‌بندی فضای شهری نیز امکان دفاعی زیادی را فراهم

1 . *The Mongol Invasions of Central Asia*

می‌کرد. به هنگام محاصره شهر گرگانج از سوی مغولان، از مهم ترین مراحل اقدامات دفاعی، استفاده از استحکامات دفاعی هفت محله بود که مقاومت را ۷ روز تداوم بخشید (نسوی، ۱۳۸۴: ۱۲۵-۱۲۳).

تعداد دروازه‌ها و اندازه آن با امنیت هر یک از ساختار سه‌گانه یعنی ارگ، شارستان و ربض در ارتباط بود. کهندژ به‌عنوان امن‌ترین منطقه دارای کم‌ترین و کوچک‌ترین دروازه‌ها و ربض به‌عنوان خارجی‌ترین ناحیه دارای بیشترین و بزرگ‌ترین دروازه بود. ارگ بخارا ۲ دروازه و ارگ بلخ ۲ دروازه داشت، اما بلخ، بخارا و نیشابور در شارستان ۴ دروازه و در ربض دروازه‌های متعددی داشتند (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۵۲؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۴-۲۱۲؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۱۸، ۴۰۳، ۳۹۹؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۴۸-۲۰۴؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۰). تعداد دروازه‌ها عامل امنیتی مهمی بود. نگهبانی از دروازه‌های محدود در هنگام هجوم ساده بود، اما راه ارتباطی شهر را محدود می‌کرد و همچنین به مهاجم اجازه می‌داد تمام راه‌های ورود و خروج را تحت نظر بگیرد، درحالی‌که دروازه متعدد موجب می‌شد تا مهاجم برای مسدود کردن تمام منافذ شهر نیروهای خود را تقسیم نماید و یا حتی نیروی کافی برای بست تمام راه‌ها نداشته باشد. مغولان در فتح شهرهای مختلف، پیش از حمله برای شناختن استحکامات دفاعی و راه‌های دسترسی به شهر به تحقیق و تفحص می‌پرداختند ازجمله در سمرقند (۲ تا ۳ روز)، گرگانج (چند روز) و مرو (٦ روز) با شناختن راه‌ها و دروازه‌ها با شناخت کامل از منافذ ورود و خروجی اقدام به محاصره می‌کردند (نسوی، ۱۳۸۴: ۵۳؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۲۱۹-۲۱۸، ۱۹۳-۱۹۰؛ هروی، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۳).

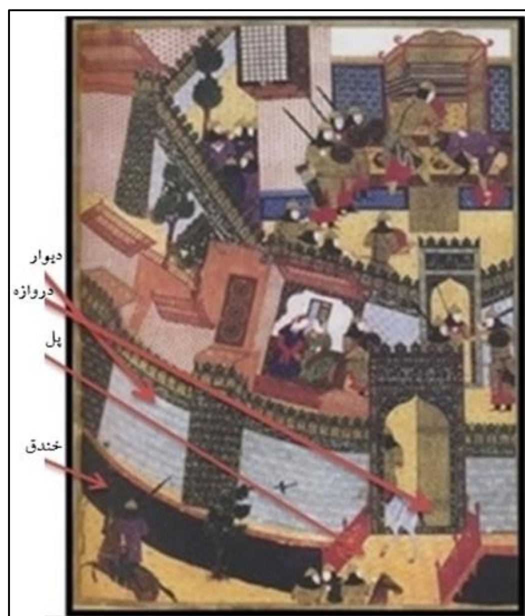


تصویر ۱: طرحی شماتیک از ساختار کلی شهر اسلامی (صفایی پور و سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۱۲)

در اطراف شهرها دیواری ساخته می‌شد که دو کارکرد اصلی داشت. نخست راه ورود و خروج شهرها را به دروازه یا دروازه‌ها محدود می‌کرد که نیروهای امنیتی می‌توانستند رفت و آمدها را زیر نظر بگیرند و دوم درون شهر را از تهدیدات خارجی محافظت می‌کرد. بر روی دیوار و دروازه، برج‌هایی تعبیه می‌شد که علاوه بر پناهگاه محل استراحت نگهبانان و انبار ابزارآلات نظامی نیز بود (حاکم‌نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۲۰-۱۱۹؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۰؛ پازوکی، ۱۳۷۲: ۵۹-۵۸). بیش‌تر شهرهای اسلامی دارای بارو، برج و دروازه بوده‌اند. حتی برای شهرهایی که دارای حصار طبیعی بودند نیز در جهت تقویت ایمنی حصاری دست‌ساخت افزوده می‌شد (ابن‌حوقل، ۱۳۶٦: ۱۸۳).

مواد و مصالح به‌کاررفته در استحکامات دفاعی بسته به مواد محل بود. دیوارها و باروها غالباً با گل و خشت خام یا خشت پخته، گچ و چوب ساخته می‌شدند. در مناطق کوهستانی از سنگ و در برخی مناطق از سنگ و ساروج استفاده می‌شد. همچنین شرایط و نحوه‌ی استقرار نیروی نظامی نیز در آن‌ها در نظر گرفته شده بود تا با اقداماتی چون تیراندازی و غیره از پیشروی دشمن جلوگیری کنند. بر اساس گزارش‌ها در دیوار هرات (به قطر ۳۰ گام) و نیشابور فضایی در نظر گرفته شده بود تا بتوانند منجنیق نصب و به کار بگیرند و حتی در برخی دیوارها امکان حرکت چهارپایان نیز وجود داشت (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۱۰-۲۰۲؛ ابن‌اسفندیار، ۱۳۶٦: ۷۱؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۵٦).

قلعه از دیگر استحکامات دفاعی بود که در دوره یورش مغولان نقش مؤثری داشت. قلاع در تاریخ به دو شکل دیده می‌شوند. نخست ساختمانی دارای بارو، برج و دروازه که بر روی کوه مرتفع ساخته‌شده و از موقعیت سوق‌الجیشی طبیعی برخوردار بود. الموت، میمون دز، قلعه ایلال و ولخ که در یورش مغولان محل پناه گرفتن و تجمع بودند، از این نوع قلاع هستند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۶٦؛ خواندمیر، ۱۳۵۵: ۲۳٦-۲۳۳؛ شیرازی، ۱۳۷۷: ۳٦۹/۱). نوع دوم این قلاع معمولاً در شهرهای هموار مانند نیشابور و مرو در نزدیکی حصار و دیوار دفاعی شهر و چسبیده به بارو ساخته می‌شدند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۹؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶٦: ۱۷۳-۱۶۸؛ حافظ ابرو، ۱۳۴۹: ۱۳).

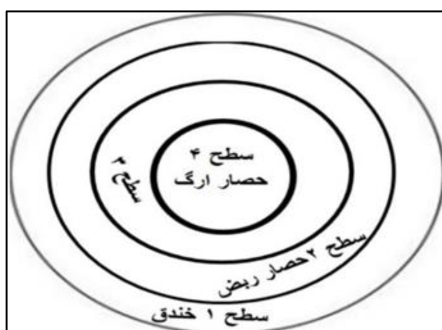


تصویر ۲: اجزای استحکامات دفاعی
(آژند، ۱۳۸۷: ۲۱۵)

خَندَق (کَندگ) گودالی عمیق و پهن بود که در ساختار شهری، آخرین سازه دفاعی به شمار می‌رفت و دور و اطراف دیوار و بارو کنده می‌شد. معمولاً به دور ربض، قلعه‌ها و ارگ خندق حفر می‌شد. این خندق‌ها را به نحوی حفر می‌کردند که تا حد امکان سرباز یا حیوانی نتواند از آن عبور نماید (ابن‌حوقل، ۱۳٦٦: ۱۷۴؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۰؛ ابن‌اسفندیار، ۱۳٦٦: ۷۱). جوزجانی عمق خندق هرات را که خود در آن غلتیده بود ۴۰ گز نوشته است (جوزجانی، ۱۳۹۱: ٥٦٠). به‌صورت معمول خندق‌ها را عمیق حفاری کرده و درون آن آب رها می‌کردند. مانند خندق هرات و سمرقند اما گاهی اوقات نیز درون آن نیزه‌هایی برمی‌افراشتند. برای ارتباط، روبه روی دروازه یا دروازه‌های ورودی پلی بر روی خندق‌ها می‌بستند (مانند سمرقند) و در مواقع تهاجم به دروازه، پل را تخریب می‌کردند (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ٥٦۹؛ مقدسی، ۱۳٦۱: ۳۹۳/۲-۳۹۲؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۴۷، ۲۰۹؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱۹۷/۱؛ شامی، ۱۳٦۳: ۴۰-۳۸).

در هنگام یورش مغولان اکثر شهرهای مورد هجوم در ماوراءالنهر و خراسان چون هرات، نیشابور، مرو، جند، بخارا، سمرقند، گرگانج و طالقان که در منابع موردبررسی قرارگرفته‌اند دارای استحکامات دفاعی ترکیبی چون بارو، برج، دروازه، قلعه و به‌خصوص خندق بودند (ابن‌اثیر، ۱۳۸٥: ۳٦٦/۱۲؛ جوینی، ۱۳۹۱: ٥٥٦، ۲۲۹، ۱۹۷-۱۷۱؛ جوزجانی، ۱۳۹۱: ٥٦٠، ۱۷۱؛ هروی، ۱۳۸۱: ۱٦-۱۳؛ همدانی، ۱۳۷۳: ٥۱۳/۱، ٤۹۱؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ٤٦٦).

بررسی منابع به‌خصوص منابع جغرافیایی نشان می‌دهد که هر شهر دارای ٤ لایه از استحکامات دفاعی و موانع پیشروی بود که نقطه مرکزی آن ارگ و قلعه درونی محسوب می‌شد. در نبردهای شهری و مبتنی بر استحکامات دفاعی خندق ربض نقش خط مقدم را ایفا می‌کرد که از سوی برج و بارو پشتیبانی می‌شد. چون ربض سقوط می‌کرد، برج و باروی شهرستان در برابر مهاجمین قد می‌افراشت و اگر شارستان سقوط می‌کرد، استحکامات دفاعی ارگ و قلعه مملو از مدافعین می‌شد.



تصویر ۳: لایه های چهارگانه استحکامات دفاعی در شهرهای مورد هجوم (مأخذ: نگارنده)

استحکامات دفاعی شهرهای مورد هجوم در آستانه یورش مغولان

نگاهی به شرایط (استواری و برپا بودن معماری بناها) استحکامات دفاعی چندین شهر از شهرهای مورد هجوم در این دو منطقه نشان می‌دهد که در آستانه یورش مغولان، سازه‌های دفاعی در این شهرها از نظر دوام و معماری در چه شرایطی قرار داشتند. هنگامی‌که هجوم مغولان صورت گرفت و در شورای جنگی استراتژی نبرد تقسیم سپاه و استفاده از توان‌های دفاعی شهرها چون استحکامات دفاعی تعیین شد، محمد خوارزمشاه برای فرماندهان شهرهایی چون اترار، سمرقند و نسا دستوراتی در مورد تعمیر، بازسازی و توسعه سازه‌های دفاعی صادر کرد (نسوی، ۱۳۸۴: ۷۷-۷٥؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۹۰: ۸/ ۲۳۰؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱٦۸-۱٦٦؛ همدانی، ۱۳۷۳: ۴۹۱/۱-۴۸۸، ۱۸۹؛ وصاف، ۱۳۸۳: ۲۹۷-۲۹٦؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ٥۴۰). صدور چنین فرمانی نشان می‌دهد که سرویس و نگه‌داری سازه‌های دفاعی در

سال‌های پیش از هجوم مغولان چندان در دستور کار قرار نداشته‌اند.

بخارا از شهرهای مهم ماوراءالنهر در هنگام یورش مغولان دارای استحکامات دفاعی بود که سابقه ایجاد سازه‌های دفاعی به دور ربض و شارستان به سده‌های سوم و چهارم بازمی‌گشت (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۹؛ ابن‌فقیه، ۱۳۶۳: ۱۷۱). در سده چهارم باروی بخارا را بزرگ نوشته‌اند که طول هر ضلع آن یک‌فرسخ بود. در حمله اتسز (۵۳۴ق) دیوار شهر بخارا تخریب شد، اما با روی کار آمدن محمد بن تکش ارگ تجدید بنا و استحکامات دفاعی در قسمت‌های مختلف احیا شد (لسترنج، ۱۳۷۷: ۴۹۲-۴۹۰). در آستانه هجوم مغولان، سمرقند ازجمله شهرهای مهم و پرجمعیت فرارود بود. بارو و برج‌های باستانی توسط اعراب تخریب شد تا زمینه عصیان را از بین ببرند. در اواخر سده دوم هجری به‌فرمان هارون‌الرشید استحکامات دفاعی سمرقند تا حدودی بازسازی شد و با روی کار آمدن سامانیان در این شهر و بعداً سایر دوره‌ها تا روی کار آمدن خوارزمشاهیان موردتوجه فرمانروایان مختلف بود (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۷۰-۶۹؛ حموی، ۱۳۸۰: ۲۴۸/۲). پیش از حرکت مغولان به‌سوی سمرقند، سلطان محمد خود در سمرقند بود و استحکامات و باروها را تجدید کرد، اما دیوار و خندق تازه تأسیس نیمه‌تمام باقی ماند. در هنگام محاصره راه‌های ارتباطی سمرقند بسته شد و فقط اجازه داده شد تا پناهندگان به شهر وارد شوند که اداره جمعیت زیاد به‌خصوص ازنظر تأمین تغذیه لازم برای مدافعین سخت بود و امکان مقاومت طولانی را سلب کرد (نسوی، ۱۳۸۴: ۵۳؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱۹۳-۱۹۰؛ همدانی، ۱۳۷۳: ۵۰۳/۱-۵۰۲؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲۳۷/۲؛ جوزجانی، ۱۳۹۱: ۵۵۳؛ May, 2015: 33).

گرگانج (اورگنج و جرجانیه) پایتخت خوارزم شاهیان بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر ناحیه خوارزم در سده هفتم هجری بود که در جنوب ناحیه خوارزم و در امتداد رود جیحون قرار داشت (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۰۶). موقعیت بالادستی جیحون نسبت به گرگانج خطر جدی برای شهر بود به‌طوری‌که به گزارش جغرافی‌نویسان این شهر پیش از یورش مغولان به‌واسطه طغیان رود دچار خسران و بعد تغییر مکان مناطق مسکونی شده است. مغولان با آگاهی به همین موضوع بعد از دست یافتن به شهر، آب رودخانه را به درون شهر هدایت کرده و آن را کاملاً تخریب کردند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۳۹۵/۱۲-۳۹۴؛ ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۵۵۱؛ حموی، ۱۳۸۰: ۳۶/۲). سلطان محمد خوارزمشاه در زمان گسترش قلمرو و تثبیت حکومت خود به هنگام تسخیر نساء دستور داده بود تا سازه‌های دفاعی شهر تخریب و شخم زده شوند. هنگامی‌که اهالی و امیران نَسا از دستور سلطان خوارزمشاهی به جنگ دفاعی در درون شهرها مطلع شدند، به بازسازی قلعه نسا اقدام کردند. بارو و دیواری گرد قلعه ساخته و مردم در آن تحصن گرفتند (نسوی، ۱۳۸۴: ۷۷-۷۵؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۴۰).

مرو یکی از چهار ربع خراسان بود که پیش از خوارزمشاهیان تختگاه خلیفه (مأمون) و فرمانروایان مختلفی بود. در دوره سلجوقیان به دستور ملکشاه سلجوقی به اطراف شهر بارویی با برج کشیده شد و در دوره سلطان سنجر نیز شهر مرو موردتوجه بود، اما در حمله غزها آسیب زیادی به آن رسید (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۰۶؛ بارتولد، ۱۳۰۸: ۹۴-۹۳؛ لسترنج، ۱۳۷۷: ۴۲۸-۴۲۶). در جریان یورش غزها به خراسان (۵۴۸ق) و بروز اختلاف بین اقلیت‌های مذهبی استحکامات دفاعی شهر نیشابور آسیب جدی دید. موید آی ابه با تخریب دیوار نیشابور سابق و به کار بردن مصالح آن سنگ بنای نیشابور جدید را بنا گذاشت (راوندی، ۱۳۸۵: ۱۸۲-۱۸۰؛ ظهیرالدین نیشابوری، ۱۳۳۲: ۵۱-۵۰). نیشابور جدید نیز دو زلزله مخرب را بین سال‌های ۵۵۵.ق و ۶۰۵.ق به خود دید که آسیب زیادی به استحکامات دفاعی وارد آورد (راوندی، ۱۳۸۵: ۱۸۲-۱۸۰؛ مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۸۲). محمد خوارزمشاه نیز در اواخر قرن ششم یعنی بعد از تسخیر نیشابور دستور داد تا بارو و دیوارهای دفاعی این شهر را کاملاً تخریب کنند (جوزجانی، ۱۳۹۱: ۵۰؛ بویل، ۱۳۸۹: ۲۹۲). گرچه به پیشنهاد سلطان فراری در ٦۱۷ق دیوار و سایر استحکامات دفاعی نیشابور بازسازی شدند اما بر اساس آنچه از میزان خسارت‌های وارده به استحکامات دفاعی این شهر برآورد می‌شود، بازسازی استحکامات در این زمان به معنای ساخت بارو و برج‌های جدید بود که نمی‌توانست کامل شده باشند (نسوی، ۱۳۸۴: ۸۲-۸۱؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۲۳۰-۲۲۵؛ جوزجانی، ۱۳۹۱: ۵۵۹؛ خواندمیر، ۱۳۳۳:

۴۱/۳). هرات نیز ازجمله شهرهای مهم خراسان بود که در قرن چهارم به سبب شورش، توسط حاکم خراسان بارو و حصارهای شهر کوتاه شدند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۷۲؛ اسفزاری، ۱۳۳۹: ۹۸/۱)، اما تا پیش از حمله مغولان پس از تسخیر خراسان از سوی سلجوقیان و به‌خصوص در دوره سلطان سنجر، استحکامات دفاعی شهر بازسازی می‌شود (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۹۳/۱-۳۸۷؛ حموی، ۱۹۹۵: ۳۹۶/۵) که مقاومت هرات در برابر حمله غزها (۵۴۸ق) حاکی از این امر است (راوندی، ۱۳۸۵: ۱۸۳-۱۸۱). همان‌طور که مشاهده می‌شود، استحکامات دفاعی در اغلب شهرها سابقه طولانی داشت که در برخی از شهرها پیش از یورش مغولان سازه‌های دفاعی به علل سیاسی و امنیتی آسیب‌دیده و در هنگام یورش مغولان در حال تعمیر و بازسازی بودند.

تأثیر استحکامات دفاعی در شیوه‌های جنگی خوارزمشاهیان (نبرد دفاعی)

استراتژی خوارزمشاهیان برای نبرد با مغولان بر این متکی شد که بعد از ورود مغولان به سرزمین‌های ناآشنا در غرب آنان را به کمک ساخلوهای نظامی، تنگناها و مناطق صعب‌العبور غافلگیر نموده و از پای درآورند (نسوی، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۳؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۹۰: ۸/ ۲۲۹- ۲۲۸؛ اقبال‌آشتیانی، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۷). نخستین نبرد میان خوارزمشاهیان با مغولان پس از ورود آنان به داخل مرزهای ایران، با شکست خوارزمشاهیان همراه شد. گرچه مناطق سوق‌الجیشی طبیعی چون کوه‌ها و به‌ویژه سیحون و جیحون و قلاع مستحکم می‌توانستند در نبردهای تعقیب و گریز مؤثر باشند، اما عملاً بلااستفاده ماندند و سلطان خوارزمشاهی پی‌درپی در حال عقب‌نشینی بود. از طرف دیگر مسلمانان زیادی نیز در خدمت مغولان بودند که به سبب آشنایی با قلمرو خوارزمشاهیان مغولان را از غافلگیری و افتادن در راه‌های ناشناخته به دور داشتند (قفس‌اوغلی، ۱۳۶۷: ۳۰۹-۳۰۶؛ Islam, 2016: 317). مغولان با یاری همین افراد بومی در هنگام محاصره شهرهایی چون سمرقند، گرگانج، مرو و مناطق دیگر چندین روز را صرف شناسایی راه‌ها و جاده‌های منتهی به شهرها و استحکامات دفاعی نمودند (نسوی، ۱۳۸۴: ۵۳؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۲۱۹-۲۱۸، ۱۹۳-۱۹۰؛ هروی، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۳).

چون خوارزمشاهیان در نبرد اول موفقیتی به دست نیاوردند، استحکامات دفاعی شهرها و به‌خصوص قلاع مختلف توجه سلطان خوارزمشاهی را جلب نمود و به دولتمردان خود در شهرهای مختلف چون سمرقند، نسا و مرو دستور داد، حصارها و قلعه‌ها را استوار کرده و ازآنجا مبارزه را ادامه دهند (نسوی، ۱۳۸۴: ۷۴-۷۳، ۵۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۳۶۵/۱۲، ۳۰۶). گذشته از تأثیر وجود استحکامات دفاعی در اکثر شهرهای قلمرو خوارزمشاهیان، ضعف ارتش نیز در اتکا سلطان محمد بر نبرد دفاعی مؤثر بود (فرخی و خسروبیگی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

تقسیم سپاه در مناطق و شهرهای مختلف نیز برگرفته از همین برنامه جنگی بود[۱]. فرماندهان خوارزمشاهی در پی این بودند تا با تقسیم نیروهای مغولی و مشغول کردن آنان در مناطق مختلف که بازه زمانی فتوحات را طولانی می‌کرد، زمان بیشتری خریده و با خسته کردن مهاجمینی که از خانه و موطن خود دور بودند، آنان را از پای درآورند، اما از یک‌سو مهارت مغولان در جنگ‌های شهری-دفاعی و دسترسی آنان به سلاح‌های قلعه کوبی و روش‌های تخریب باروها و از سوی دیگر استراتژی پیشروی سریع در برنامه‌های نظامی آنان که بعد از مواجه با مقاومت سنگین در یک منطقه، نیروها را تقسیم کرده و مناطق ضعیف‌تر را تسخیر می‌کردند (کارپنی، ۱۳۶۳: ۵۴-۵۳؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱۶۸-۱۶۶؛ همدانی، ۱۳۷۳: ۴۹۱/۱-۴۸۸، ۱۸۹؛ وصاف، ۱۳۸۳: ۲۹۷-۲۹۶؛ گروسه، ۱۳۸۷: ۳۷۲-۳۷۱) استراتژی جنگ دفاعی خوارزمشاهیان را بی‌اثر کرد.

مغولان از زمان (٦١٦.ق) رسیدن به‌پای حصارهای شهر اترار تا فتح بامیان (٦١٨ق) مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهرهای ماوراءالنهر و خراسان را توأمان یا مرحله‌به‌مرحله در طول سه سال فتح کردند. در این سه سال نبردهای میدانی از سوی

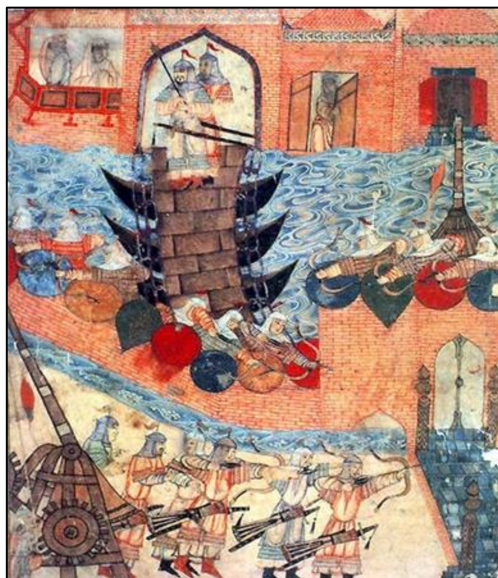
۱. برای آگاهی از چگونگی تقسیم ارتش. نک به: (نسوی، ۱۳۸۴: ۵۷-۵۰؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۹۰: ۸/ ۲۲۸).

خوارزمشاهیان دیده نمی‌شود مگر نبردهای پراکنده در اطراف دروازه‌های شهرها که متکی به استحکامات دفاعی بود. ازجمله در ۲۰ روز نبردهای قلعه اترار، چند نبرد شهر سمرقند، نبردهای ابتدایی شهر گرگانج، نبردهای ۲۲ روزه در شهر مرو، نبردهای ۷ تا ۸ روزه در مقابل شهر هرات در تهاجم اول و نبردهای جسته‌وگریخته در طول محاصره طولانی دوم (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۲/۳۹۱-۳۹۰؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۲۱۹-۲۱۸، ۱۹۵-۱۹۰، ۱۶۸؛ جوزجانی، ۱۳۹۱: ۵۵۹- ۵۵۳؛ همدانی، ۱۳۷۳: ۱/۵۱۳-۵۱۲؛ هروی، ۱۳۸۱: ۲۰-۱۳). این نبردها غالباً کوتاه‌مدت بوده و با شکست مدافعان نیز همراه شده است. هرچند به نظر ارشد اسلام، طولانی شدن فتوحات در برخی محاصره‌ها چون اترار، گرگانج، طالقان و هرات بیانگر ضعف سیستم قلعه‌گیری مغولان است و دلیل تقسیم سپاهیان که به‌طور هم‌زمان شهرهای مختلف را فتح می‌کردند ناظر بر همین قدرت شهرهای آسیای مرکزی در برابر مغولان است (Islam, 2016: 316-317)، اما در عمل از استحکامات دفاعی شهرها، فاصله بین آن‌ها که مغولان را پراکنده کرد و موانع طبیعی میان شهرها، استفاده مفیدی نشد.

در شهرهای بزرگ آخرین مرحله مقاومت پس از سقوط استحکامات دفاعی، پناه گرفتن در ارگ یا قلعه‌هایی مستحکم بود. در شهرهای اترار، بخارا، سمرقند، خجند، گرگانج، ترمذ، طالقان، بلخ و هرات پس از سقوط شهر جماعت و مدافعین به قلعه‌ها و به‌ویژه ارگ پناه برده و مقاومت را ادامه دادند. قلعه بزرگ اترار، قلعه نسا، قلعه نصرت کوه و قلعه خَرندز از مهم‌ترین این قلاع بودند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۹۰: ۸/ ۲۳۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۲/ ۳۹۲-۳۹۱؛ نسوی، ۱۳۸۴: ۸۱، ۷۷-۷۵؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۲۰۱-۲۰۰، ۱۹۹-۱۹۸، ۱۷۳-۱۶۸؛ هروی، ۱۳۸۱: ۱۳).

تأثیر استحکامات دفاعی در شیوه‌های نبرد مغولان

مغولان برای تسخیر شهرها علاوه بر نیروهای انسانی با سازه‌های فیزیکی استحکامات دفاعی روبه‌رو شدند. بنابراین برای شکست این سازه‌ها ضروری بود شیوه نبردهایی را در پیش بگیرند و از سلاح‌هایی استفاده کنند که مؤثر واقع شوند. مغولان در گشودن استحکامات دفاعی دارای فنون و ادوات پیشرفته‌ای بودند. در نبردهای دفاعی داشتن صبر و حوصله و جلوگیری از اقدامات شتاب‌زده از اصول اولیه به شمار می‌رفت. مغولان به سبب خصایص زندگی در استپ و شرایط سخت دارای روحیه قوی بودند و صبر و انتظار برای رسیدن به خواسته را آموخته بودند. در فتح برخی مناطق حصین ایران چون قلعه ایلال، قلعه ولخ و برخی قلاع اسماعیلیه، مغولان با شکیبایی در برابر قلاع موردنظر قلعه‌ای بناکرده و ماه‌ها به نگهبانی و محاصره مشغول شدند (نسوی، ۱۳۸۴: ۵۹؛ جوزجانی، ۱۳۹۱: ۵۵۸). غلبه بر استحکامات دفاعی نیازمند کسب اطلاعات پیرامون این سازه‌ها بود. در این راستا از تعداد زیادی از تجار مسلمان استفاده کردند که نسبت به شهرهای خراسان و ماوراءالنهر شناخت محیطی زیادی داشتند. مغولان با یاری همین افراد بومی در هنگام محاصره شهرهایی چون سمرقند، گرگانج، مرو و مناطق دیگر چندین روز را صرف شناسایی راه‌ها و جاده‌های منتهی به شهر و استحکامات دفاعی نمودند (نسوی، ۱۳۸۴: ۵۳؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۲۱۹-۲۱۸، ۱۹۳-۱۹۰؛ هروی، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۳).



تصویر ۴: مینیاتوری محاصره یک قلعه توسط مغولان در جامع التواریخ (Atwood, 2004: 353)

نخستین سازه‌ی دفاعی که مغولان با آن روبه‌رو شدند، خندق بود. آنان برای دسترسی به شهر چاره‌ای جز عبور از خندق نداشتند. شرط عبور منوط به پر کردن خندق بود که مستلزم نزدیکی به حصار شهر بود؛ بنابراین مدافعین می‌توانستند مهاجمین را مورد اصابت قرار دهند. گزارش‌هایی معدود از گرفتاری مغولان در خندق‌های پوشیده شده در محاصره

شهرها دیده می‌شود (کارپنی، ۱۳۶۳: ۶۱). یکی از استراتژی‌های مغولان برای تسخیر سازه‌های دفاعی با کم‌ترین آسیب استفاده از نیروهای حشر و اسیران بود. مغولان در فتوحات دوره اول پس از فتح یا ایلی هر ناحیه گروهی از اهالی محل را جمع کرده و وارد سپاه می‌کردند. از این روی بخشی از سپاه مغولان را نیروهای حشر تشکیل می‌دادند که هر چه شهرهای بیشتری فتح می‌شد بر تعداد آنان افزوده می‌شد. آن‌ها در پر کردن مسیر رودها یا در حمل مهمات برای عراده‌ها استفاده می‌شدند (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۰: ۸/ ۲۳۰ و ۲۳۷؛ کارپنی، ۱۳۶۳: ٦٦ و ۷۷ و ۸۱؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱۷۳/۱، ۱۰۷، ۹۲-۹۳؛ همدانی، ۱۳۷۳: ۴۸۹/۱). نیروی حشر در سپاه مغولان کارکردهای مختلفی داشت. علاوه بر حمل و انتقال ادوات جنگی بزرگ، گاهی اداره و استفاده از آنان به نیروی حشر واگذار می‌شد که نسبت به موقعیت جغرافیایی، ساختار شهرها و سازه‌های دفاعی، توان و مقاومت بناها و مصالح به‌کاررفته در آن‌ها آشنایی داشتند. مهم‌ترین استفاده از نیروی حشر محافظت از نیروهای مغولان در برابر مدافعین بود، زیرا برای استفاده از ابزارآلات سنگین ابتدا باید به نزدیک‌ترین محل استقرار می‌رسیدند. از این روی با پیش‌قراولی سپاه حشر که به‌سان سپر دفاعی عمل می‌کرد، نیروی مغولی که در سایه و پشت نیروی حشر حرکت می‌کرد با حداقل تلفات به‌پای استحکامات دفاعی می‌رسید (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۹۰: ۸/ ۲۳۷؛ نسوی، ۱۳۸۴: ۸۰-۷۹، ٦۳؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱۷۳؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲۳٦/۲). به‌کارگیری سپاه حشر، روشی جنگی در جهت ناکام گذاشتن استحکامات دفاعی شهرها بود. این افراد درواقع سپر بلایی بودند که یا توسط مدافعین و یا در صورت عدم انجام وظایف خود توسط مغولان کشته می‌شدند (نسوی، ۱۳۸۴: ۸۰-۷۵؛ هروی، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۳). گروسه به‌خوبی دریافته است که حملات نیروی حشر به حصارها و ساخلوها مدافعین را عاجز و ضعیف‌تر می‌کرد و آنگاه نیروی اصلی مغولان نیروهای ضعیف شده را از پا درمی‌آوردند (گروسه، ۱۳۸۷: ۴۰۰-۳۹۹).

مغولان بعد از پر کردن خندق یا همزمان با آن به‌واسطه نردبان‌ها به روی دیوارها نفوذ کرده و پس از ورود به شهر، دروازه را به روی نیروهای خودی می‌گشودند که در فتح جُند و نیشابور از این نردبان‌ها استفاده گسترده‌ای شد (جوینی، ۱۳۹۱: ۱۷۱/۱؛ هروی، ۱۳۸۱: ۱۵؛ بارتولد، ۱۳٦٦: ۸٦۵/۲). روش دیگر ایجاد شکاف در باروی شهرها و قلعه‌ها با زدن «نقب» بود. نقب از نقطه‌ای بیرون بارو و در صورت امکان پوشیده از انظار مدافعان زده می‌شد و پس از حفر نقب بارو و دیوار را از پی خراب می‌کردند. در محاصره اکثر شهرها چون بخارا و به‌ویژه نیشابور مغولان بیش از هفتاد نقطه از دیوار و حصار شهر را نقب زده و دیوار را تخریب کردند. بلافاصله پس از ورود به شهر برای سهولت در پیشرفت کار خود به آتش زدن بناها و اجسام اقدام می‌کردند. در فتح اکثر شهرهای ماوراءالنهر و خراسان این عمل از سوی مغولان انجام شد (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۰: ۸/ ۲۳۱- ۲۳۰؛ کارپنی، ۱۳٦۳: ۷۰، ٦۰، ۵۴-۵۳؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱۸۳-۱۸۱؛ هروی، ۱۳۸۱: ۱٦-۱۴؛ بناکتی، ۱۳۴۸: ۲٦۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۳٦٦/۱۲). ازآنجایی‌که بناهای مختلف در اکثر شهرها به یکدیگر نزدیک و پیوسته بودند، آتش از یک نقطه سریع به سایر جهات سرایت کرده و میزان تخریب را افزایش می‌داد. ازاین‌روی گزارش‌های منابع مبنی بر تخریب اکثر بناها که جنس آن‌ها نیز از چوب یا ترکیبی بود، اغراق‌آمیز نیست. بخارا ازجمله شهرهایی بود که درصد زیادی از آن در آتش سوخت (جوینی، ۱۳۹۱: ۱۸۳-۱۸۱؛ ابن‌حوقل، ۱۳٦٦: ۲۱۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۲/ ۳٦٦). دیگر وسیله مغولان، برج‌های چوبی بود که سربازان از فراز این برج‌ها با مدافعین روی دیوار درگیر شده یا به روی باروها نفوذ می‌کردند. مغولان در مناطقی مانند طالقان و بامیان که شهر و دژ بر ارتفاعات قرار داشت از این سازه‌ها استفاده گسترده‌ای نمودند (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۰: ۸/ ۲۴۰؛ جوینی، ۱۳۹۰: ۱۷۱؛ جوزجانی، ۱۳۹۱: ۵۵۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۰: ۱۲/ ۳۹۳-۳۹۱).

برای گشودن شهرها در جهت نابود کردن استحکامات دفاعی از منجنیق که قدرت برد و تخریب بیشتری داشت، استفاده فراوان شد. برای ساخت و استفاده از منجنیق، مغولان دو گروه سازندگان و به‌کارگیرندگان منجنیق‌ها را به همراه خود داشتند که اکثراً چینی یا از اقوام دیگر بودند. درواقع نقش این مهندسان خارجی در به‌زانو درآوردن استحکامات دفاعی شهرها بیشتر از کمانداران ماهر مغولی بود (ساندرز، ۱۳۹۰: ٦۰). تعداد منجنیق‌های مورداستفاده

مغولان متعدد ثبت شده است. در یکی از فتوحات گروه «منجنیقیان» را چندین هزار نفر ثبت کرده‌اند و در محاصره نسا مغولان از بیست منجنیق برای تخریب شهر استفاده کردند (نسوی، ۱۳۸۴: ۷۷-۷۵؛ جوزجانی، ۱۳۹۱: ۱۰۴۷). در کنار منجنیق، از ابزارها و نیروهای نفت‌اندازان (قارورات نفطی)، عرادها و «چرخ‌اندازان» نیز استفاده می‌شد (جوینی، ۱۳۹۱: ۱۸۲؛ هروی، ۱۳۸۱: ۱۵). در کنار سازه‌های مهندسی نباید از تیرها و تیراندازان مغولی غافل شد، زیرا هر سرباز مغولی تعداد زیادی تیر همراه با چند کمان به همراه داشت که استفاده فراوانی از آن می‌کرد و حدود ۳۰۰ متر برد داشت (May, 2015: 32).

مغولان الزاماً همه ادوات جنگی را همراه خود نداشتند بلکه به خاطر لشکرکشی‌های طولانی و محاصره‌های بلندمدت برخی ابزارهای خود را با استفاده از منابع موجود در محل محاصره می‌ساختند. ازجمله در فتح خوارزم و نیشابور به سبب کمبود سنگ منجنیق، برای تهیه مهمات منجنیق، از درختان تنومند (چون توت) استفاده کردند. همچنین در فتح نیشابور پیش از محاصره شهر در منطقه نوشجان که محلی پرآب با درختان زیاد بود اسکان‌یافته و منجنیق‌ها، خرپشت‌ها و مُترسها زیادی را ساختند (نسوی، ۱۳۸۴: ۱۲۵-۱۲۳، ۸۱، ۵۴؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱۹۸-۱۰۶؛ همدانی، ۱۳۷۳: ۱/۵۱۴-۵۱۳).

اساس محاصره‌های مغولان مبتنی بر فتح سریع با کمترین تلفات بود. آنان شب و روز حرکت می‌کردند و بدون خستگی دائماً در حال تعقیب و نبرد بودند. در روزهای اول نبرد با جنگی شبانه‌روزی سعی داشتند سریع‌تر شهرها را تسخیر کنند. چون با مقاومت مواجه می‌شدند، صبر پیشه کرده و درعین‌حال به دنبال استفاده از آلات و تاکتیک‌های مؤثر بودند (نسوی، ۱۳۸۴: ۹۳؛ زیدری‌نسوی، ۱۳۴۳: ۳۶، ۲۴؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱۹۸؛ همدانی، ۱۳۷۳: ۱/۴۹۰).

علل ناکارآمدی استحکامات دفاعی در تقابل با مغولان

علل ناکارآمدی استحکامات دفاعی به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند. بخش اول به شرایط استحکامات دفاعی در آستانه هجوم مغولان مربوط است که در عنوان اول موردبررسی قرار گرفت. بنای سازه‌های دفاعی به خاطر کم‌توجهی عوامل امنیتی از نظر استقامت، شرایط مطلوبی نداشتند. بسیاری از این سازه‌ها قدیمی بوده و سابقه ساخت آن‌ها به سده‌های پیشین برمی‌گشت. علاوه بر آن در برخی از شهرها این سازه‌ها در فتوحات سلطان محمد خوارزمشاه آسیب زیادی دیده بودند. گرچه در آستانه یورش مغولان دستور تعمیر این سازه‌ها صادر شد، اما حرکت سریع مغولان از بازسازی کامل آن‌ها جلوگیری کرده است.

بخش دوم به نوع استفاده و نگاه خوارزمشاهیان به این سازه‌ها مربوط می‌شود. سلطان خوارزمشاهی با یک تصمیم آنی و بدون فراهم نمودن ساختارها و زمینه‌های لازم اقدام به جنگ دفاعی نمود و مقدمات لازم برای نبرد دفاعی در اکثر شهرها فراهم نشده بود. در شهرها تغذیه کافی انبار نشده بود. نیروها آشنا به نبردهای دفاعی نبودند و همچنین نیروی کافی برای استقرار در سازه‌های دفاعی در نظر گرفته نشده بود. پس از تسخیر چند ناحیه از سوی مغولان و مشاهده روش‌های آن‌ها برای فتح استحکامات دفاعی، سلطان خوارزمشاهی در مسیر فرار خود به داخل ایران، وحشت‌زده مردم سمرقند و نیشابور را خطاب کرده و این بار استراتژی استفاده از استحکامات دفاعی را نیز در برابر مغولان این «بلای آسمانی» ناکارآمد خواند (وصاف، ۱۳۸۳: ۳۰۷؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۶۵۰).[۱] از دیگر علل ناکارآمدی استحکامات دفاعی، عدم استفاده از این سازه‌ها توسط مدافعین است. سقوط سریع شهرها حاکی از نبود مقاومت‌های جدی است. هنگامی‌که جند به محاصره گرفته شد، به گزارش منابع به‌خصوص جوینی، هیچ اقدام دفاعی از سوی مردم صورت نگرفت و به‌راحتی به مغولان اجازه ورود داده شد. مقاومت شهر خجند نیز در عرض چند روز سقوط نمود (جوینی، ۱۳۹۱: ۱۷۳-۱۷۰، ۱۶۸-۱۶۶؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲/۲۳۵-۲۳۴؛ همدانی، ۱۳۷۳: ۱/۴۹۴-۴۸۸، ۱۸۹؛ وصاف، ۱۳۸۳: ۲۹۷-۲۹۶). مقاومت شهر بخارا نیز بعد از ۳ روز بی‌نتیجه بود و به صلاح‌دید بزرگان دروازه‌های شهر

۱. جلالی و همکاران در پژوهشی بر درماندگی اکتسابی سلطان خوارزمشاهی که ناشی از حرکت سریع و توان نظامی مغولان بود، تاکید دارند (جلالی و همکاران، ۱۳۹۷). ابن ابی الحدید شاید نخستین مورخی باشد که به موضوع ضعف روانی خوارزمشاه در مواجه با مغولان اشاره می کند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۹۰: ۸/ ۲۲۴).

به‌سوی مهاجمین باز شدند. این جمله معروف «آمدند، کندند، سوختند، کشتند، بردند و رفتند» که از زبان یک فراری از بخارا نقل می‌شود، بیانگر میزان انفعال مدافعین این شهر در برابر مهاجمین مغولی است (نسوی، ۱۳۸۴: ۶۳؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱۸۳-۱۸۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۲/ ۳٦٦). سمرقند که شهری بزرگ‌تر بود و نیروهای دفاعی بیشتری در آن مستقر بودند نیز بیشتر از پنج روز مقاومت نکرد (نسوی، ۱۳۸۴: ۵۳؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱۹۳-۱۹۰؛ همدانی، ۱۳۷۳: ۱/ ۵۰۳-۵۰۲). مقاومت در ترمذ نیز سریع سرکوب شد. مغولان با پرتاب منجنیق و استفاده از کوهنوردان این ناحیه را به‌زانو درآوردند. به گزارش ابن اثیر و جوینی، شهر بلخ نیز در اولین هجوم بدون مقاومت تسلیم شد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۲/ ۳۹۱-۳۹۰؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۲۱۹-۲۱۸، ۱۹۹-۱۹٦؛ هروی، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۳؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲/ ۲۳۸). در هنگام محاصره نیشابور، بعد از اندکی مقاومت، مردم درخواست ایلی نمودند[1] که رد شد و بعد از چند روز مقاومت شهر به دست مغولان افتاد. درحالی‌که از نظر جنگ‌افزارها، آماده‌سازی مناسبی صورت گرفته بود. بر اساس گزارش‌ها، سه هزارچرخ بر دیوار باره، سیصد منجنیق و غیره را فراهم کرده بودند (نسوی، ۱۳۸۴: ۸۲-۸۱؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۲۳۰-۲۲۵؛ جوزجانی، ۱۳۹۱: ۵۵۹؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۳/ ۴۱). همان‌طور که مشاهده می‌شود، در اکثریت شهرها مقاومت‌ها بیش از چند روز دوام نداشت. مقاومت‌های صورت گرفته در اترار و گرگانج بیش از اینکه محصول اقدامات کارآمد مدافعین باشد، محصول برنامه‌های جنگی مغولان برای فراهم کردن تجهیزات لازم و شناسایی مناطق بود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۰: ۱۲/ ۳۹٦-۳۹۳؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱۹٦). در هرات نیز بعد از چند روز مقاومت (حدود ۷ تا ۱۰ روز) مدافعین تسلیم شدند، اما مشاهده خشونت مغولان موجب پناه گرفتن در قلاع شد که در این مرحله مقاومت آنان حدود چند ماه طول کشید (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۲/ ۳۹۲؛ جوزجانی، ۱۳۹۱: ۵٦۳-۵۵۹؛ هروی، ۱۳۸۱: ۲۰-۱۷؛ حموی، ۱۳۸۳: ۱۸۵). نماینده پاپ، پلانو کارپنی به‌خوبی دریافته بود که با پراکنده شدن سپاه، پناه بردن مردم به درون شهرها و قلاع و در پیش گرفتن دفاع محلی و شهری متکی بر استحکامات دفاعی بدون مقاومت مؤثر، مسلمانان در حکم اسیرانی قرار گرفتند که مغولان برای مدتی در محاصره گرفته و سپس به آنان دست یافتند (کارپنی، ۱۳٦۳: ۸۴).

با در پیش گرفتن نبرد دفاعی انتظار می‌رفت بعد از استقرار ارتش در سازه‌های دفاعی میان این نیروها با شهروندان و نیروهای نظامی تأمین‌گر امنیت شهر همکاری همه‌جانبه صورت گرفته باشد، اما متأسفانه توجه به این جنبه از روابط از دید منابع دورمانده و اندک گزارش‌های موجود نیز برخلاف این است تا جایی که میان نیروهای رسمی ارتش و نیروهای مردمی ارتباط صمیمی و دوجانبه وجود نداشته است. یکی از علل مهم ناکامی مقاومت‌ها در برابر مغولان، عدم همکاری بین نیروهای نظامی رسمی با نیروهای مردمی است. مقاومت‌ها متفرق و فاقد فرماندهی واحد و استراتژی جنگی بودند که در آن نیروهای نظامی رسمی به‌سان مزدورانی در جهت نجات جان خود تلاش می‌کردند. ازجمله در شهر اترار، جند، بخارا، مرو و غیره در روزهای اول محاصره نیروهای رسمی بعد از ناتوانی در مقابله با مغولان شهرها را ترک کردند. گرچه در این میان باید از رشادت‌های قایرخان که به مدت ۱ ماه در قلعه اترار در برابر مغولان ایستادگی نمود و تیمور ملک در خجند یادکرد (نسوی، ۱۳۸۴: ٦۳؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۹۰: ۸/ ۲۳۰؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱۸۰، ۱۷۳-۱۷۰، ۱٦۸-۱٦٦؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲/ ۲۳۵-۲۳۴؛ همدانی، ۱۳۷۳: ۱/ ۴۹۴-۴۸۸، ۱۸۹؛ وصاف، ۱۳۸۳: ۲۹۷-۲۹٦).[2]

---

۱. بنا به دستور جنگیزخان برای فتح سریع مغولان قبل از یورش نظامی از اهالی محاصره‌شده درخواست ایلی می‌کردند و درصورتی‌که تابعیت آنان پذیرفته می‌شد غالباً بدون برخورد نظامی سنگین و قتل و غارت بعد از انتصاب نماینده‌ای از جانب خود منطقه را فتح می‌کردند اما اگر مقاومت صورت می‌گرفت درخواست ایلی آنان رد شده و مرحله نظامی تعیین‌کننده سرنوشت بود. گرگانج، هرات، نیشابور و بامیان به سبب مقاومت و به‌زحمت انداختن مغولان بیشتر از سایر مناطق مورد تجاوز و تخریب واقع شدند (نسوی، ۱۳۸۴: ۱۲۴؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۱/ ۱۲۷؛ هروی، ۱۳۸۱: ۱۱۸-۱۰۰؛ وصاف، ۱۳۸۳: ۱۱۸؛ بناکتی، ۱۳۴۸: ۳۹۸).

۲. نقل عبارت ابن ابی الحدید از معاصران واقعه هجوم مغول، به روشنی گویای این ضعف است: «[...] و پنج ماه پس از کوچ

تحلیل‌های کارپنی و مبارکشاه (قرن ۷) در باب فتوحات مغولان در ایران و آداب جنگ شهری مبتنی بر استحکامات دفاعی درخور توجه است. مبارکشاه نویسنده *آداب الحرب و الشجاعه*، اثری متفاوت خلق کرد که پیش از او نگارش چنین آثاری در زمینه آداب نامه‌ها، سیاست‌نامه‌ها و اندرزنامه‌ها سابقه نداشت. در این اثر در بخش‌های مختلف در باب جنگ شهری بحث شده و مقدمات و ضروریات این نوع نبردها مشخص شده است. او برای نبرد دفاعی مقدمات و شروطی تعیین می‌کند که باید اجرا شوند. حفظ ارتباط با شهرهای دیگر و دریافت کمک از بیرون برای شهر محاصره‌شده را امری لازم می‌داند. مدافعین باید آگاهانه و با حساب دقیق آذوقه لازم را انبار کرده باشند. سلاح و ادوات موردنیاز را فراهم کرده باشند و مهم‌تر اینکه مدافعین از روحیه کافی و لازم برای نبرد برخوردار باشند و آمادگی لازم برای هر مدت مقاومت را داشته باشند (مبارکشاه، ۱۳۴۶: ۴۲۶-۴۱۵). کارپنی نیز به مقدمات و اسباب و لوازم نبردهای مبتنی بر استحکامات دفاعی اشاره دارد. او محصور شدن شهروندان و ساکنین در حصار شهر با اقامت طولانی، کمبود ذخایر غذایی، فقدان ادوات جنگی و نیز عدم دریافت پشتیبانی از بیرون (کارپنی، ۱۳۶۳: ۵۳-۵۲) را مهم‌ترین عوامل سقوط نبردهای شهری می‌داند. همان‌طور که در سطور فوق گذشت در گزارش‌های منابع این دوره گزارشی قابل‌توجه در مورد مقاومت برنامه‌ریزی‌شده دیده نمی‌شود. نبود نیروی دفاعی آزموده، منسجم و متحد، کمبود آذوقه و همچنین نبود ادوات نظامی کافی چون منجنیق، تیر و سنگ و همچنین نداشتن روحیه و آمادگی نبرد از عوامل مهم در ناکامی مقاومت‌های صورت گرفته در پشت دیوارها (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۰: ۸/ ۲۳۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۲/ ۳۶۸) به شمار می‌روند. ازآنجایی‌که پیش رفت مغولان سریع بود و از قبل نیز برنامه‌هایی در جهت ذخیره غله و آذوقه در شهرها وجود نداشت، قحطی، گرانی، بیماری، درماندگی و ضعف از عوامل تأثیرگذار در رها کردن استحکامات دفاعی هستند.

بخش سوم به توانایی جنگی و شیوه‌های نبرد مغولان مربوط می‌شود. مغولان با کسب اطلاعات از ساختار فیزیکی شهرها و نیز سازه‌های دفاعی، بهترین روش‌های جنگی را در پیش گرفتند. برای تخریب دیوارها از نقب زدن زیر دیوارها استفاده کردند. برای پر کردن خندق‌ها، نیروهای حَشر را به خدمت گرفته و با انتقال اجسام سخت، گودال‌ها را پر کردند و برای تخریب با برد و شدت بیشتر از منجنیق‌های متعدد استفاده نمودند.

سرانجام استحکامات دفاعی

از مجموعه ۱۴ شهر فتح‌شده به دست مغولان در اولین هجوم، غیر از جُند، استحکامات دفاعی ۱۳ شهر، اترار، خجند، بخارا، سمرقند، گرگانج، ترمذ، طالقان و بامیان در ماوراءالنهر و بلخ، نسا، مرو، نیشابور و هرات در منطقه خراسان بعد از فتح با دستور مستقیم فرماندهان مغولی تخریب شدند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۲/ ۳۹۶-۳۹۰؛ نسوی، ۱۳۸۴: ۸۲-۸۱، ۷۷-۷۵؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۲۳۰-۲۲۸، ۲۱۹-۲۱۶، ۲۰۱-۱۹۶، ۱۹۳-۱۹۰، ۱۸۳-۱۸۰، ۱۷۳-۱۷۰، ۱٦۸؛ همدانی، ۱۳۷۳: ۵۲۹/۱، ۵۱۹، ۵۰۳-۵۰۲، ۵۰۰- ۴۹۱؛ جوزجانی، ۱۳۹۱: ۵۵۹، ۵۵٦، ۵۵۳؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲۳۹/۲-۲۳۷، ۲۳۴؛ قزوین، ۱۳۷۳: ۵۴۰؛ هروی، ۱۳۸۱: ۲۰-۱۷، ۱۴-۱۳؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۲۸/۳) که در جریان نبرد نیز آسیب زیادی به آن‌ها وارده شده بود، زیرا مغولان فقط به فکر فتح سریع با بیشترین درجه تخریب بودند. در ساختار شهر اسلامی در هجوم مغولان به ترتیب ربض، شهرستان و درنهایت کهندژ مورد هجوم واقع شدند. ازاین‌روی استحکامات دفاعی و بناهای موجود در ربض بیش‌تر از دو بخش دیگر آسیب دیدند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۰۴؛ بویل، ۱۳۸۹: ۲۹۳). تخریب استحکامات دفاعی شهرها از سوی مغولان بیشتر دلیل استراتژیکی و جنگی داشت، زیرا آنان در جریان فتوحات ازجمله بعد از خروج جبه و سباتای از خراسان و در هرات به‌عین دیده بودند که بعد از خروج اکثریت سپاه

خوارزمشاه از آنجا به بخارا رسیدند، و آنجا را محاصره کرده و با لشکر محافظ آنجا سه روز پیاپی به نبرد پرداختند، در حالی که لشکر خوارزمی در برابرشان یارای مقاومت نداشتند، پس شبانه دروازه‌های شهر را گشودند و تمامی لشکر خوارزمی به سوی خراسان خارج شدند. بامدادان نزد اهل بخارا هیچ یک از آن لشکر نبود از این رو دل‌هایشان به ضعف و سستی رو نهاد [...]» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۹۰: ۸/ ۲۳۰).

مغولان از نواحی فتح‌شده، اهالی با تکیه‌بر سازه‌های دفاعی شورش کرده و نمایندگان مغولان را کشته‌اند (جوینی، ۱۳۹۱: ۲۱۰؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲۴۱).

بارتولد به‌درستی دریافته است که استحکامات دفاعی تخریب‌شده در شهرهای نیمه شرقی بعد از استقرار مغولان و ایلخانان بازسازی نشدند (بارتولد، ۱۳۰۸: ۱۵۴). جغرافی‌نویسان و سیاحان در ذکر شهرهای خراسان در این دوره کمتر از منابع پیش از مغول به سیمای شهری و مشخصاً استحکامات دفاعی اشاره می‌کنند. در این گزارش منابع دست‌اول لامحاله باید بازتابی از عدم بازسازی استحکامات دفاعی در خراسان و ماوراءالنهر در دوره مغولان و ایلخانان مشاهده کرد. جوینی (حیات ٦٨١-٦٢٣ق) در فعالیت‌های عمرانی محمود یلواج و کرگوز در بخارا و طوس مشخصاً اشاره‌ای به بازسازی بخش‌های استحکامات دفاعی نمی‌کند (جوینی، ۱۳۹۱: ۱۸۸-۱۸۴؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۲/۵۳۰، ۵۲۴) قزوینی (حیات ٦٨٢-٦٠٥ق) در ذکر شهرهای بلخ، مرو، نیشابور، هرات، بخارا، خوارزم و سمرقند به احیای استحکامات دفاعی این شهرها اشاره ندارد (قزوینی، ۱۳۷۳: ٦٢٨-۳۹۲). مستوفی (حیات ۷۵۰-٦٨٠ق) نیز باوجوداینکه در ذکر شهرهای منطقه غربی حکومت ایلخانان به استحکامات دفاعی شهرهایی چون تبریز و اوجان توجه دارد، اما در ذکر شهرهای خراسان به‌ندرت از واژه‌های استحکامات دفاعی استفاده می‌کند یا این شهرها مانند بامیان و مرو را ویران توصیف می‌کند (مستوفی، ١٣٣٦: ١٩٣، ٩١-٨٥). ابن‌بطوطه (حیات ۷۷۹-۷۰۳ق) در مسیر خود در خراسان و ماوراءالنهر اشاره‌ای به خاصیت دفاعی و امنیتی مناطق مختلف نمی‌کند. او شهرهای سمرقند، بلخ و ترمذ را ویران و بدون سازه‌های امنیتی ترسیم می‌کند (ابن‌بطوطه، ١٣٧٦: ۱/۴۶۱، ۴۵۸-۴۳۵). کلاویخو (زمان سفر: ۷۸۴-۷۸۱ق) نیز اکثر شهرها را بدون بارو و حصار نوشته است. به‌علاوه شهرهایی مانند بلخ و ترمذ را ویران می‌بیند که دیوارها و حصارهای تخریب‌شده به‌صورت خاک‌ریز دیده می‌شده است (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۰۱-۲۰۰، ۲۰۹، ۲۰۴).

عدم توجه به احیاء و بازسازی استحکامات دفاعی شهرهای نیمه شرقی از سوی ایلخانان کاملاً مبتنی بر دلایل نظامی و سیاسی بود. مرکز حکومت ایلخانان در نواحی شمال غربی قرار داشت و نواحی شرقی (خراسان و بخشی از ماوراءالنهر) جزء دورترین قلمرو آنان به شمار می‌رفت. این منطقه از سوی امراء و به نیابت از شاهزادگان (مانند امیر نوروز و غازان در عهد ارغون و ابوسعید و امیر سونج در عهد اولجایتو) اداره می‌شد که زیر سایه امراء قرار داشتند (بویل، ۱۳۸۹: ۳۴۷). خراسان در مرز با یکی از اولوس‌های دیگر چنگیزی قرار داشت که اتفاقاً فرمانروایان این اولوس (جغتایی) خراسان را جزء قلمرو خود دانسته و با یورش‌های پی‌درپی به دنبال تسخیر این منطقه بودند. دوری نواحی شرقی از مرکز حکومت که فرصت مناسبی برای امرای گریز از مرکز بود تا عصیان کنند (مانند امیر نوروز و نارین طغای) و همسایگی با یکی از دشمنان ایلخانان، از عوامل تأثیرگذار در بی‌توجهی به ساخت سازه‌های دفاعی است و در صورت بازسازی نیز در جنگ‌ها و یورش مجدداً تخریب می‌شدند. آباقا به هنگام نبرد با اولوس جغتایی (٦٦٠ق) سازه‌های دفاعی را که از سوی مسعود یلواج در بخارا ایجاد شده بود، تخریب نمود تا ارتش جغتایی نتواند در آن منطقه جان‌پناه داشته باشد و زمینه عصیان مردم را از بین ببرد (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ٦/۴۰۹۲-۴۰۸۹). همچنین مغولان حاضر در نواحی شرقی بیشتر بر سنن و آیین پیشین بوده و از گرفتار شدن در چارچوب شهر بسته دوری می‌کردند (رضوی، ۱۳۸۷: ٦-۵). بعد از سقوط ایلخانان و سر برآوردن امرای مدعی در نواحی مختلف ازجمله مناطق نیمه شرقی موجب شد تا مدعیان برای افزایش توان خود در برابر رقبا با اسکان در شهری بسته مشکلی نداشته باشند (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲/۳۱۰-۳۰۹) و همان‌گونه که ایلخانان در نواحی مرکزی قلمرو خود چون تبریز، اوجان و سلطانیه برای تأمین امنیت به ایجاد، مرمت و نگه‌داری سازه‌های دفاعی توجه داشتند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۹۳؛ مستوفی، ١٣٣٦: ١٢٧؛ همدانی، ١٣٦٨: ٢٠٦-٢٠۴؛ وصاف، ۱۳۸۳: ۳۸۵)، با انتقال حکومت از غرب به شرق و سر برآوردن حکومت‌های محلی (مانند آل کرت در هرات و جانی قربانی‌ها در کلات و طوس) و در دوره تیموریان به‌خصوص عصر تیمور و شاهرخ استحکامات دفاعی در شهرهای مختلف نیمه شرقی احیاء و حتی توسعه داده شدند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۹۹، ۲۸۳؛ یزدی، ۱۳۸۷: ۴۰۹-۴۰٦؛ ابن‌عربشاه، ١٣٥٦: ٢١؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۴۹: ۱۳-۹؛

شامی، ۱۳۶۳: ۵۴-۴۵؛ اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱/ ۸۱؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۷۹: ۱/ ۵۸۰).

نتیجه‌گیری

منطقه ماوراءالنهر و خراسان تا پیش از حمله مغولان (٦١٦ق) دارای شهرهایی آباد و پررونق بود که به سه بخش ربض (حومه)، شارستان و ارگ تقسیم می‌شدند. در این شهرها ساخت استحکامات دفاعی (خندق، دیوار و حصار، برج و بارو و قلعه) در جهت تأمین امنیت شهر از تهدیدات داخلی از یک‌سو و تهدیدات خارجی از سوی دیگر، از اهمیت به سزایی برخوردار بود. در اوایل قرن هفتم هجری این دو ناحیه با هجوم سریع مغولان مواجه شد و اهمیت عناصر و سازه‌های امنیتی-دفاعی را آشکار کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد شهرها از نظر توان دفاعی-امنیتی در شرایط مطلوبی قرار نداشتند. ساختار استحکامات دفاعی شهرها فرسوده، ناتمام یا در دست تعمیر بود و در کنار فقدان نیروهای آزموده و آماده برای نبردهای دفاعی-هجومی، کم‌ترین آمادگی از نظر فراهم کردن زیرساخت‌ها برای نبردهای دفاعی در شهرهای ماوراءالنهر و خراسان تأمین نشده بود و سلطان خوارزمشاهی فقط با یک تصمیم آنی به نبرد در پشت ساخلوها و استحکامات دفاعی دست زد. بااین‌وجود، مقاومت‌ها و نبردهای دفاعی مبتنی بر استحکامات دفاعی (بیشتر قلاع) در برخی از شهرها مانند اترار (٦ ماه)، گرگانج (٦ ماه)، طالقان (٧ ماه) و هرات (٧ ماه) صورت پذیرفت و فتوحات مغولان را با تأخیر مواجه کرد. مغولان پس از تسخیر ۱۴ شهر در ناحیه ماوراءالنهر و خراسان، در جهت از بین بردن امکان عصیان و شورش در پناه استحکامات و نیز سنت شبانی، استحکامات دفاعی ۱۳ شهر را تخریب کردند. باروی کار آمدن اوگتای قاآن و به خدمت گرفتن عناصر قومی متمدن و به‌خصوص تشکیل حکومت ایلخانان و استفاده از سنت‌های ایرانی، شهرسازی و شهرنشینی به‌ویژه در مناطق غربی احیا شد، اما استحکامات دفاعی در مناطق شرقی همچنان موقعیت گذشته را نیافت و فقط بعد از سقوط ایلخانان و قرارگیری خراسان و ماوراءالنهر در اختیار امرای مدعی بازسازی‌شده و در دوره تیموریان به سبب انتقال مرکز حکومت به نواحی شرقی، جایگاه پیشین را بازیافت.

فهرست منابع

۱. آژند، یعقوب. (۱۳۸۷). ***مکتب نگارگری هرات***. تهران: فرهنگستان هنر.

۲. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۳۹۰). ***ترجمه شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی***. ترجمه غلامرضا لایقی. ج۸. تهران: کتاب نیستان.

۳. ابن‌اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۵). ***الکامل فی التاریخ***. بیروت. ج۱۲. بیروت: دار صادر.

۴. ابن اسفندیار، محمد. (۱۳٦٦). ***تاریخ طبرستان***. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: پدیده خاور.

۵. ابن‌بطوطه، احمد بن عبدالله. (۱۳۷٦). ***سفرنامه ابن‌بطوطه***. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: آگه.

٦. ابن‌حوقل، محمد. (۱۳٦٦). ***سفرنامه ابن حوقل***. ترجمه و تصحیح جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.

۷. ابن‌عربشاه، احمد بن محمد. (۱۳۵٦). ***زندگی شگفت‌آور تیمور***. ترجمه محمدعلی نجاتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۸. ابن‌فقیه، احمد بن محمد. (۱۳٦۳). ***البلدان***. ترجمه محمدرضا حکیمی. تهران: بی‌نا.

۹. ابوالفدا، اسماعیل بن علی. (۱۳۴۹). ***تقویم البلدان***. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۱۰. اسفزاری، معین‌الدین. (۱۳۳۹). ***روضات الجنات فی اوصاف مدنیه هرات***. تصحیح محمدکاظم امام. ج۱، تهران: دانشگاه تهران.

۱۱. اشرف، احمد. (۱۳۵۳). «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی». ***نامه علوم اجتماعی***. (شماره ۴)، ۴۹-۷.

۱۲. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۴۰). ***مسالک و ممالک***. به اهتمام ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۳. اقبال‌آشتیانی، عباس. (۱۳۸۸). ***تاریخ مغول***. تهران: امیرکبیر.

۱۴. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ. (۱۳٦٦). ***ترکستان نامه***. ترجمه کریم کشاورز. تهران: آگاه.

۱۵. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۰۸). ***تذکره جغرافیای تاریخی ایران***. ترجمه حمزه سردادور. تهران: بی‌نا.

۱۶. بناکتی، فخرالدین ابو سلیمان داوود. (۱۳۴۸). ***روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب.*** تصحیح جعفر شعار. تهران: انجمن آثار ملی.

۱۷. بویل، جان اندرو. ۱۳۸۹). «تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان». ***تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا پایان دولت ایلخانی.*** ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ۳۹۷-۲۸۹.

۱۸. پازوکی، ناصر. (۱۳۷۲). «بناهای دفاعی ایران». ***مطالعات راهبردی بسیج.*** (شماره ۱)، ۷۰-۵۷.

۱۹. تتوی، قاضی احمد؛ و آصف قزوینی. (۱۳۸۲). ***تاریخ الفی.*** تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. ج٦. تهران: علمی و فرهنگی.

۲۰. جوزجانی، منهاج السراج. (۱۳۹۱). ***طبقات ناصری.*** کابل: بنیاد جهانداری غوری.

۲۱. جوینی، علاءالدین. (۱۳۹۱). ***تاریخ جهانگشای جوینی.*** تصحیح محمد قزوینی. ج۲-۱. تهران: نگاه.

۲۲. حافظابرو، عبدالله بن لطفالله. (۱۳۷۵). ***جغرافیای حافظ ابرو.*** تصحیح صادق سجادی. تهران: میراث مکتوب.

۲۳. حافظابرو، عبدالله بن لطفالله. (۱۳۷۹). ***زبده التواریخ.*** تصحیح سید کمال حاج سیدجوادی. ج۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۴. حافظابرو، عبدالله بن لطفالله. (۱۳۴۹). ***جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان هرات.*** بهکوشش نجیب مایل هروی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۲۵. حبیبی، محسن. (۱۳۹۰). ***از شار تا شهر.*** تهران: دانشگاه تهران.

۲۶. حموی، یاقوت. (۱۳۸۳). ***المشترک.*** ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: امیرکبیر.

۲۷. حموی، یاقوت. (۱۹۹۵). ***معجم البلدان.*** ج۵-۴. بیروت: دار صادر.

۲۸. حموی، یاقوت. (۱۳۸۰). ***معجم البلدان.*** ترجمه علینقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

۲۹. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله. (۱۳۷۵). ***تاریخ نیشابور.*** ترجمه خلیفه نیشابوری. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.

۳۰. خواندمیر، غیاثالدین. (۱۳۵۵). ***دستور الوزراء.*** تصحیح سعید نفیسی. تهران: اقبال.

۳۱. خواندمیر، غیاثالدین. (۱۳۳۳). ***تاریخ حبیب السیر.*** ج۳. تصحیح جلالالدین همایی. تهران: خیام.

۳۲. راوندی، محمد بن علی. (۱۳۸۵). ***راحه الصدور و آیه الصدور.*** تصحیح محمد اقبال. تهران: اساطیر.

۳۳. رضوی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). «ساختار حیات شهری در عصر ایلخانان». ***کتاب ماه تاریخ و جغرافیا.*** (شماره ۱۲۳)، ۱۷-۴.

۳۴. زیدری نسوی، شهابالدین محمد. (۱۳۴۳). ***نفثه المصدور.*** تصحیح امیرحسن یزدگردی. تهران: اداره کل نگارش آموزش و پرورش.

۳۵. ساندرز، جان جوزف. (۱۳۹۰). ***تاریخ فتوحات مغول.*** ترجمه ابوالقاسم حالت. تهران: امیرکبیر.

۳٦. شامی، نظامالدین. (۱۳٦۳). ***ظفرنامه.*** تصحیح پناهی سمنانی. تهران: بامداد.

۳۷. شبانکارهای، محمد بن علی. (۱۳۸۱). ***مجمع الانساب.*** تصحیح میرهاشم محدث. ج۲. تهران: امیرکبیر.

۳۸. شیرازی، محمد نصیر. (۱۳۷۷). ***آثار عجم.*** تهران: امیرکبیر.

۳۹. صفاییپور، مسعود؛ و جعفر سعیدی. (۱۳۹٦). «تحلیلی تاریخی بر عناصر و ساختار کالبدی فضایی شهرهای ایرانی-اسلامی». ***اسلام و مطالعات تاریخی.*** (شماره ۳)، ۱۲۵-۹۵.

۴۰. ظهیرالدین نیشابوری، ابوحامد. (۱۳۳۲). ***سلجوقنامه.*** به اهتمام اسماعیل افشار. تهران: کلاله خاور.

۴۱. فرخی، یزدان؛ و هوشنگ خسروبیگی. (۱۳۹۰). «بررسی دلایل ناکارآمدی دیوان عرض خوارزمشاهیان در رویارویی با مغولان»، ***تاریخ ایران.*** (شماره ٦۷)، ۱۲٦-۱۱۱.

۴۲. قزوینی، زکریا بن محمد. (۱۳۷۳). ***آثار البلاد و اخبار العباد.*** ترجمه میرزا جهانگیر قاجار. تهران: امیرکبیر.

۴۳. قفس اوغلی، ابراهیم. (۱۳٦۷). ***تاریخ دولت خوارزمشاهیان.*** ترجمه داوود اصفهانیان. تهران: گستره.

۴۴. لسترنج، گای. (۱۳۷۷). ***جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی.*** ترجمه محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی.

۴۵. کلاویخو، روی گنزالس. (۱۳۴۴). ***سفرنامه کلاویخو***. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۴۶. کارپنی، پلان. (۱۳۶۳). ***سفرنامه پلان کارپن***. ترجمه ولی‌الله شادان. تهران: فرهنگ‌سرای یساولی.

۴۷. گروسه، رنه. (۱۳۸۷). ***امپراتوری صحرانوردان***. ترجمه عبدالحسین میکده. تهران: علمی و فرهنگی.

۴۸. مبارکشاه، محمد بن منصور. (۱۳۴۶). ***آداب الحرب و الشجاعه***. به اهتمام احمد سهیلی خوانساری. تهران: اقبال.

۴۹. مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۶). ***نزهه القلوب***. تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه طهوری.

۵۰. مقدسی، محمد بن احمد. (۱۳۶۱). ***احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم***. ترجمه علی‌نقی منزوی. ج۲. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.

۵۱. ناشناس. (۱۳۶۲). ***حدود العالم من المشرق الی المغرب***. به‌کوشش منوچهر ستوده. تهران: کتابخانه طهوری.

۵۲. نسوی، شهاب‌الدین محمد. (۱۳۸۴). ***سیرت جلال‌الدین منکبرنی***. تصحیح مجتبی مینوی. تهران: علمی و فرهنگی.

۵۳. وصاف، شهاب‌الدین عبدالله. (۱۳۸۳). ***تحریر تاریخ وصاف***. محرر عبدالمحمد آیتی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۵۴. هروی، سیف بن محمد. (۱۳۸۱). ***پیراسته تاریخ‌نامه هرات***. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

۵۵. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۷۳). ***جامع التواریخ***. تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی. ج۱. تهران: البرز.

۵۶. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۶۸). ***تاریخ مبارک غازانی***. تصحیح کارل یان، اصفهان: پرسش.

۵۷. یزدی، شرف‌الدین علی. (۱۳۸۷). ***ظفرنامه***. تصحیح عبدالحسین نوایی. ج۱. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.

۵۸. یعقوبی، احمد بن واضح. (۱۳۸۱). ***البلدان***. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.

۵۹. یوسفی‌فر، شهرام. (۱۳۸۵). «الگوهای گسترش کالبدی شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران». ***پژوهشنامه علوم انسانی***. (شماره ۵۲)، ۳۵۰-۳۱۹.

۶۰. یوسفی‌فر، شهرام. (۱۳۸۹). «الگوهای پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران». ***تاریخ ایران***. (شماره ۶۴)، ۱۷۰-۱۴۵.

61. Atwood, p. Christopher (2004). ***Encyclopedia of Mongolia and the Mongol empire***. Bloomington: Indiana University.

62. May, Timothy. (2015). "The Mongol art of war and the Tsunami strategy". ***Golden Horde Civilization***. (vol 8), 31-38.

63. Islam, Arshad. (2016). "The Mongol Invasions of Central Asia". ***International Journal of Social Science and Humanity***. (vol 6), 315-319.